



نوشته حقوقدان سابقه دار
جناب محمد ولی

مبادی حقوقی تشکیل " دولت همه شمول "

از مدتیست که اصطلاحات " دولت وسیع البنیاد"، " دولت با قاعده وسیع"، " دولت همه شمول" و " دولت به اشتراک همه" در ادبیات سیاسی افغانستان عام شده است. تفسیر و تعبیر این اصطلاحات بیشتر تابع فکر، منافع و خواستهای سیاستمدارانی می باشد که عمدتاً حرکات و خواستهای سیاسی و شخصی شانرا زیر همین مفاهیم پنهان می دارند. سوالی مطرح می گردد که " دولت همه شمول" بر بنیاد کدام اصول پذیرفته شده حقوقی و بر اساس کدام نیازمندی جامعه به میان می آید؟

تشکیل چنین دولت می تواند هم به شکل مکانیکی باشد و هم بر بنیاد ترکیب ارگانیک. نظر غالب در تشکیل مکانیکی دول همه شمول نزد سیاستگران رعایت ترکیبهای ملی، مذهبی، سمتی، زبانی، قومی، جنسیتی، رعایت سن و سال، احزاب سیاسی و در کنار این همه، در نظرگیری تمایل شرکت کننده از لحاظ نحوه روابطش با دولتهای خارجی ذی دخل در امور افغانستان چه از لحاظ اقتصادی باشد یا دیپلماتیک و استخباراتی معمول می باشد (در دولت گذشته نحوه حضور نظامی خارجیها نیز رعایت میشد).

تا جایی که در دولتهای گذشته دیده می شد درین نوع ترکیبها افراد مقام طلب، استفاده جو و فاسد برای رسیدن به مقام زیر همین پوشش تلاش می کردند. آنها هر یک آجندای شخصی خود شان را که بهره گیری نامشروع از مقام بود عملی می کردند. هر مقام می توانست گروهی از هواخواهان را دور خود جمع کرده، کارمندان قبلی را به بی سرنوشتی بکشاند و برطرف سازد، قومپرستی و محل گرایی جزء لاینفک آجندای شان بود، نابه سامانیهای گذشته در تقرر و سبکدوشی کارمندان دولت یا سازمانهای فرمانی دولت ناشی از همین تمایلات و تعهدات شخصی بود، افراد و گروههای شامل در حاکمیت روی کدام اصل قبول شده وطنی و ملی باهم اشتراک عمل نداشتند، قانون اساسی و سائر قوانین را به زور خود نقض می کردند، پول و دارایی دولت را طبق اراده خود حیف و میل می کردند. این یک ترکیب مکانیک و غیرارگانیک بود که بیست سال دوام کرد و نتیجه آن باعث ناکامی شد.

اگر تشکیل حکومت همه شمول آینده به منظور امتیازدهی فردی و سمتی و قومی باشد؛ نبود آن، بهتر از بود آنست. زیرا تجربه ناکام است. اما اگر منظور آن باشد تا همه مردم خود را در حقوق و مکلفیت‌ها با دولت شریک بدانند و دولت به حل و فصل مشکلات و خواست‌های مردم و محلات بصورت متوازن و یکسان عمل کرده، فرصت‌های مساوی به منظور انکشاف سراسری فراهم آورده، شرکت‌کنندگان دولت روی همین اصول و رعایت منافع ملی عمل کنند؛ می‌توان به همه شمول بودن آن باور کرد.

دولت ارگان سازمان یافته ایست که بر طبق قانون بر یک قلمرو معین و مردم یک سرزمین حاکمیت می‌کند. دولت‌ها باید از مشروعیت بر خوردار باشند؛ یعنی حاکمیت یک دولت متکی بر مشروعیت آنست. دولت‌های مبتلا به فقدان مشروعیت بصورت طبیعی مواجه به عکس‌العمل مردم میشود. این عکس‌العمل از سر کشی و عدم اطاعت مدنی تا سبوتاژ، حتی جنگ داخلی منجر می‌گردد.

دولت‌های مشروع مصدر صدور احکام، فرامین و قوانینی می‌باشند که با منافع و مصالح مردم در انطباق باشد در غیر آن اگر مردم منافع شان را در قوانین و احکام نبینند؛ در برابر دولت واکنش نشان می‌دهند، دولت در صورت توسل به قوه قهریه غرض تطبیق این فیصله‌ها، باعث سرکوبی مردم شده، مشروعیت آن زیر سوال قرار می‌گیرد و شاید این عمل باعث جنگ یا تجزیه گردد.

دولت مجبور به رعایت حقوق اساسی مردم است؛ این حقوق حدود صلاحیت‌ها، امتیازات و اختیارات شخصی افراد را برای شرکت در ارگان‌های دولتی از شوراها و ولسوالی تا شورای ملی و مقام ریاست جمهوری معین می‌سازد. حقوق اساسی ساختار دولت، سازمان‌ها و مکلفیت‌ها و آزادی‌های مردم را احتوا می‌کند.

چگونه می‌توان یک دولت را در روشنی پرنسیپ‌های حقوق همه شمول خواند؟

تطبیق اصول و پرنسیپ‌های دموکراسی در دولت‌داری یکی از اصول همه شمول بودن دولت را به صورت ارگانیک تثبیت می‌کند، پرنسیپ تساوی حقوق تمام اتباع کشور در برابر قانون، رعایت حق اقلیت‌ها جمع ترکیب مکانیکی که مبنای آن بر رعایت منافع ملی، آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی اتحادیه‌ها، احزاب، تضمین حق مسکن و ملکیت و حفظ حیات از تعرض باشد را می‌توان دولت همه شمول گفت.

دولت‌های همه شمول کمتر متوسل به اتخاذ تصامیم خلاف منافع عامه گردیده باعث بروز اغتشاشات نمی‌گردد. یکی از مبادی حکومت دموکراتیک حاکمیت قانون است که جایگزین حاکمیت افراد یا گروه‌های مسلط بر دولت می‌گردد، وقتی قانون از مقامات عالی دولت تا میان مردم قابلیت تطبیق یابد، منافع مردم شامل آن حاکمیت بوده، دولت را همه شمول می‌سازد به شرط آنکه قانون دموکراتیک بوده و از طریق دموکراتیک تصویب شده باشد.

اصل دیگر همه شمول بودن دولت، کثرت‌گرایی است. در کثرت‌گرایی، دولت سازمان منحصر به فرد یا گروهی از یک قماش نبوده احزاب، انجمن‌ها و جامعه مدنی از طرق دموکراتیک در پیشبرد امور دولت نقش می‌بازند، حالت پیشرفته تر آنست که آنها در حاکمیت شریک باشند، ایشان بخشی از مردم را نمایندگی کرده رکن بااهمیت دولت همه شمول می‌باشند. اگر دولتی با ترکیب‌های مکانیکی متکی بر افراد شایسته در پرتو اصول حقوقی پذیرفته شده دولت‌داری تشکیل گردد و پیوندهای ترکیب‌های مکانیکی بصورت ارگانیک به هم گره بخورد آن دولت دارای دو امتیاز بلند بوده میتواند:

- از گزند تیکه داران ترکیب‌های مکانیکی در امان می‌باشد.

- باعث تحکیم حاکمیت ملی، حفظ تمامیت ارضی، ترقی و پیشرفت شده از کار شکنی‌ها و سنگ اندازی‌های مغرضین در امان می‌ماند به شرط آنکه روی اصول رعایت تنوع فرهنگ‌ها و قبول کثرت اقوام اتکا کرده از هر نوع خود محوری، تنظیم محوری، ایدئولوژی‌گرایی، تک اندیشی و علایق سیر و حرکت بسوی این محورها مبرا باشد.